

با توجه به متن، به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱. تعداد بلوط هایی را که نیکی هر دفعه به خانه اش می برد را به صورت عدد مخلوط بنویسید و شکل آن را رسم کنید.



۲. علت محبوبیت نیکی در بین دوستانش چه بود؟

مهربانی و سخاوتش  
دانه و لوت

۳. از نظر نیکی چگونه می توانیم دنیای بهتری بسازیم؟

وقتی همکاری کنیم و سخاوتمان عمل کنیم

۴. پیکسل نام کدام حیوان بود؟

جوجه تیغی

۵. چرا پرندگان به درخواست نیکی پاسخ مثبت دادند؟

به سخاوت نیکی پی برده بودند

۶. اندازه طول خانه نیکی ..... ۱۲ ..... سانتی متر است که این یعنی ..... ۱۲۰ ..... میلی متر یا ..... ۱۲۰ ..... تا ۱ / سانتی متر

۷. مقدار دانه هایی که نیکی به خانه اش می برد را به صورت عدد اعشاری بیان کنید.

$$۳ \frac{1 \times 5}{2 \times 5} = ۳ \frac{5}{10} = ۳,۵$$

۸. پیکسل بعد از گرفتن غذا از نیکی و پرندگان چه گفت؟

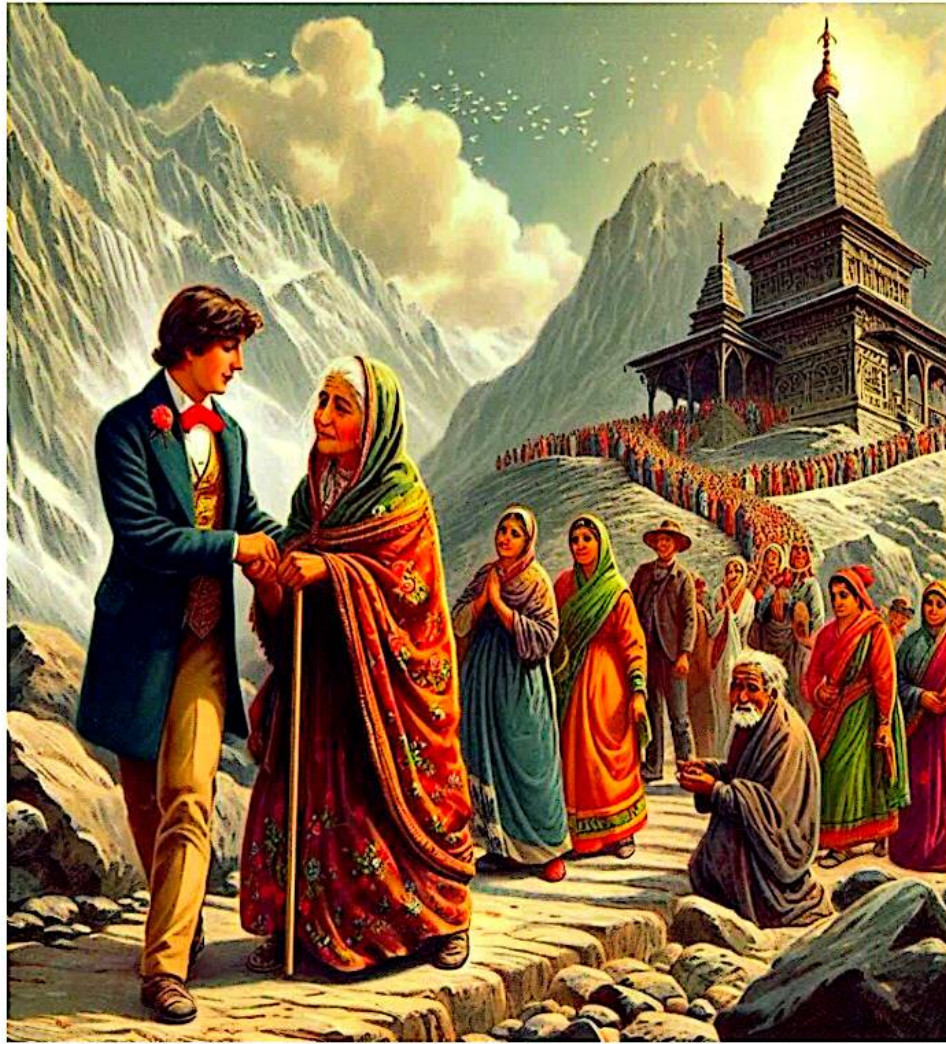
تشکر می کنم، کمک شما به من امید و شادی

بخشید



## مرد فروتن

گنجینه ۱۰



در یکی از روزهای گرم تابستان، گروهی از زائران به زیارتگاه تاریخی در کوهپایه‌های شهر سفر کردند. این زیارتگاه به خاطر حالت عرفانی و آرامش خاصش شناخته شده بود و هر ساله هزاران نفر برای دریافت برکات معنوی و روحی به آنجا می‌رفتند. در میان زائران، فردی به نام رضا وجود داشت که به خاطر ویژگی‌های خاصش شناخته می‌شد. رضا، یک تاجر موفق و ثروتمند، به خاطر موقعیت اجتماعی و دارایی‌هایش همیشه در مرکز توجه بود. او تصمیم گرفته بود به زیارتگاه برود تا آرامش و نزدیکی به خداوند را تجربه کند.





لابرادورها طبیعتی اجتماعی، مهربان و پرانرژی دارند و معمولاً به خوبی با کودکان و حیوانات دیگر کنار می‌آیند. به دلیل هوش و اشتیاق به یادگیری، این نژاد در آموزش‌ها بسیار موفق است و اغلب در نقش‌های مختلف مانند سگ‌های راهنما، نجات، یا همراه خانواده به کار گرفته می‌شوند. روزی، یک بیمار جدید به نام آوینا به بیمارستان وارد شد. آوینا دختر کوچکی بود که به دلیل بیماری نادرش به مدت طولانی باید در بیمارستان بستری می‌شد. او با بیماری‌اش مقابله می‌کرد و از اینکه دور از خانواده‌اش بود، احساس تنهایی و ناراحتی می‌کرد. پرستار جان، که مسئول مراقبت از آوینا بود، تصمیم گرفت که ماکس را به اتاق آوینا بیاورد. هنگامی که ماکس وارد اتاق شد، با چشمان درخشان و دم تکان‌دهنده، به سمت آوینا رفت. آوینا ابتدا کمی نگران بود، اما به زودی متوجه شد که ماکس به او محبت و آرامش می‌دهد. ماکس هر روز به اتاق آوینا می‌آمد و با او بازی می‌کرد و در کنار او می‌نشست. او با وفاداری و دلسوزی، به تدریج آوینا را از اضطراب و تنهایی‌اش دور کرد. آوینا شروع به لبخند زدن کرده و آرامش بیشتری پیدا کرد. او هر روز با ماکس بازی می‌کرد. او توپی را پرتاب می‌کرد و به ماکس می‌گفت به سمت جنوب اتاق حرکت کن، بایست، بعدش سر جای ۹۰ درجه به سمت راست بچرخ و بایست، مجدد ۳۰ درجه بچرخ و به سمت جنوب شرقی حرکت کن و توپ را برایم بیاور. آن‌ها اوقات خوشی را با هم سپری می‌کردند. یک روز، در حین یکی از بازدیدهای منظم پزشکان، مشکلی پیش آمد. یکی از دستگاه‌های پزشکی که برای درمان آوینا استفاده می‌شد، به خاطر نوسانات برق به طور غیرمنتظره‌ای دچار نقص شد و باید به سرعت تعمیر می‌شد. پزشکان و پرستاران با اضطراب به رفع مشکل پرداختند و در این میان، آوینا در حالتی از نگرانی و ترس قرار داشت. ماکس، که از این وضعیت نگران شده بود، با شجاعت و وفاداری به سمت آوینا رفت و به آرامی کنار او نشسته و سرش را روی پای آوینا گذاشت. آوینا احساس امنیت بیشتری پیدا کرد و توانست به آرامش برسد. او با لمس ماکس، متوجه شد که حتی در شرایط سخت نیز، عشق و وفاداری می‌تواند تسکین‌دهنده باشد. پس از چند ساعت، مشکل دستگاه برطرف شد و آوینا دوباره به درمان‌هایش ادامه داد. وفاداری و محبت ماکس، کمک شایانی به آوینا در گذر از آن لحظات دشوار کرد. آوینا و ماکس رابطه‌ای عمیق و خاص برقرار کردند و این وفاداری در محیط بیمارستان، نمادی از محبت و همبستگی بود.



با توجه به متن، به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱. ویژگی های نژاد لابرادور را بیان کنید.

---

---

۲. چرا آوینا باید مدت طولانی در بیمارستان بستری می شد؟

---

---

۳. چه کسی ماکس را به اتاق آوینا آورد؟

---

---

۴. چه چیزی باعث شد اضطراب و نگرانی از آوینا دور شود؟

---

---

۵. چرا دستگاه پزشکی که برای آوینا استفاده می شد خراب شد؟

---

---

۶. مسیر حرکت ماکس را برای پیدا کردن توپ رسم کنید و روی شکلتان نشان دهید ماکس

چند درجه چرخیده است؟ این چه نوع زاویه ای است؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---